

نمایندگان افغان افشا کردند

پروژه آمریکایی داعش در افغانستان

صفحه ۱۵

پنجشنبه ۴ تیر ۱۳۹۴ | ۸ رمضان ۱۴۳۶ | ۲۵ ژوئن ۲۰۱۵ | سال هفتم | شماره ۱۶۳۳ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



سال دولت وملت، همدلی و همزبانی



سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به تصویب طرح هسته‌های بهارستان:

از قانون مجلس تبعیت می‌کنیم

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | Vol.07 | No.1633 | Thu.Jun.25.2015 | ISSN:2008-2886

تیتراهای امروز

نفت خام و فرآورده‌های نفتی ایران در احاطه دلالان

بابک زنجانی سوم؟!



صفحه ۱۶

گزارش‌های مرکز آمار و بانک مرکزی از افزایش قیمت اجناس در یک سال گذشته

سوخت ومیوه در صدر گرانی‌ها

صفحه ۳

استیضاح وزیر آموزش و پرورش رأی نیابرد

دنیای خوش فانی!

صفحه ۴

تقابل تیم ملی والیبالی ایران با لهستان

آغاز مأموریت سعود

صفحه ۱۴

ناکسی امروز

راننده ناکسی: بیا!

ما اصلاً حرف نمی‌زنیم، خوبه؟

ماه رمضان است. خدا پدر راننده تاکسی‌هایی که برای مسافر کولر می‌زنند را بیامرزد. چه دعاهایی که نمی‌کنند خلق الله برای آقای راننده وقتی حال مسافر را می‌فهمد. البته مسافرها هم پیاده‌شدنی تا جایی که راه دارد، بی‌خیال بقیه پول می‌شوند تا شاید در این اوضاع بزین ۱۰۰۰ تومانی، کمک راننده باشد.

دیروز صبح همراه با تعداد زیادی مسافر در میدان توپخانه بودیم و می‌خواستیم به سمت بالا بیاییم. هوا خیلی گرم بود. کسی که کنار دست من بود تعجب کرد که چرا مترو مسافرا نمی‌شوم. می‌گفت: «خنک‌تر است». گفتم: «مترو وقت بیشتری می‌گیرد برای مسیری که من می‌خواهم بروم.» گیر داده بود که نه، اگر از فلان ایستگاه خط عوض کنی راحت‌تر می‌رسی. من هم هرچه می‌گفت تایید می‌کردم. یکی - دو دقیقه کشید تا تاکسی که به مسیر ما می‌خورد، پیدایش شد. سوار شدیم. کولرش آبی می‌زد، روح آدم تازه می‌شد. اگر مسیر طولانی بود، چرت درست و حسابی هم می‌شد زد. اما برخلاف دو - سه روز قبل بحث و حرف زیاد پیش آمد. از موضوع معمول توافق هسته‌ای تا تحریم و تلویزیون و پایتخت آ و ...

وسط بحث‌ها بود که داشتم با گوشی تلفن زمی‌رفتم و در یکی از این شبکه‌های اجتماعی بودم. اظهار نظر تازه‌ای از نویخت، سخنگوی دولت دیدم. گفتم بگذار با الهی تاکسی در میان بگذارم. گفتم: بله! آقای نویخت گفته متاسفم که بحث هسته‌ای کوچک‌بازاری و کف خیابانی شده! راننده سرش را تکان داد. برگشت گفتم: «منظورش اینه که ماها نباید حرف بزنین درباره این چیزا». دودستش را از فرمان ول کرد و روی دهانش گذاشت، به کنایه اینکه «باشه دیگه ما هیچی نمی‌گیم!»

مسافری که صندلی جلو نشسته بود، گفت: چرا ناراحت میشی آقای راننده؟ خبا کسی که اطلاعات و سواد نداره نباید اظهار نظر کنه. بغل دستی من گفت: ا اینجورایست؟ پس چرا رئیس جمهور گفت: برا هسته‌ای رفتارم بدبارین؟! خبا بیا ملت دارن نظر میدن دیگه، چرا بدشون اومده؟!

راننده نگذاشت حرف بغل دستی من تمام شود، گفت: وایسا بینم... کی گفته من سوادشو ندارم؟ دیگه ۴ تا بند توافق رو فهمیدن سواد می‌خواد؟

ادامه در صفحه ۱۱

نگاه امروز

سیر تحولات منطقه‌ای در سال‌های اخیر به شکلی بوده که کفه ترازوی قدرت در خاورمیانه را به شکلی ملموس به سود جمهوری اسلامی ایران سنگین ساخته است. البته این فقط تحولات پیرامونی نبوده که سبب تغییر در توازن قدرت شده بلکه چنین کنونی صفحه شطرنج خاورمیانه را باید تا حد زیادی در کنشگری یک دهه اخیر ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی ریشه‌یابی کرد.

در تشریح وضعیت کنونی به اختصار می‌توان گفت چهره زمین بازی کنشگران خاورمیانه در مسیر یک دگرگونی عمیق قرار گرفته است که مهم‌ترین مولفه‌های آن عبارتند از: تحکیم موقعیت و ارتقای منزلت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت برتر منطقه‌ای، ایجاد محور سعودی-صهیونیستی علیه ایران، ژله‌ای شدن ائتلاف‌ها و همکاری‌های عربی، گسترش دایره و عمق فعالیت گروه‌های افراطی و نیز کم‌رنگ شدن ماجراجویی‌های منطقه‌ای ترکیه.

در رابطه با وضعیت و عناصر برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران باید در وهله نخست به پیامدهای نهضت‌های مردمی در چارچوب بیداری اسلامی اشاره کرد. نتیجه این تحولات در هم خوردن نوعی نظم سنتی - یا به عبارت دیگر واپس‌گرا در منطقه بود که سال‌ها با هدف تامین منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای، حیاتی لرزان داشت.

به‌عنوان مثال سقوط دیکتاتورهای مصر و تونس به‌عنوان متحدان سنتی غرب، رژیم صهیونیستی و دولت‌های مرتجع عربی و سپس روی کار آمدن دولت‌های مردمسالار در این کشورها منجر به سقوط برخی کانون‌های تقابل منطقه‌ای با تهران شد. هر چند اتحاد سه‌گانه «عربی-عربی-عبری» توانست در کشوری چون مصر یا کودتا مسیر بازگشت دیکتاتورها را هموار سازد اما تجربه این تحولات همواره مانعی در برابر بازگشت به دوران ارتجاع پیشین در شمال آفریقا خواهد بود.

از سوی دیگر رسیدن توفان بیداری اسلامی به کشورهایی چون یمن و بحرین به معنای آشفتن‌شدن خواب‌راحت سعودی‌ها به‌عنوان پاسبان واپسگرایی و منافع دولت‌های غربی در منطقه بود تا جایی که خیزش مردمی بحرین، سعودی‌ها را سراسیمه به فکر منکوب کردن اکثریت معترض بحرینی زیر شش‌پای تانک‌های غربی انداخت و هوایم‌های آل سعود را برای بمباران قیام مردم یمن به این کشور گسیل داشت.

با توجه به تلاش‌های صورت گرفته برای انتقام‌گیری از ایران که به باور بسیاری از ناظران برنده‌نهایی بیداری اسلامی تلقی می‌شود، افراطی‌ها و مزدوران مسلح سوار بر ماشین کشتار و ترور مثلث یاد شده، کشورهای سوریه و عراق را جولانگاه تاخت و تاز خود قرار دادند.

با وجود این تلاش‌های هماهنگ، به تایید دوستان و دشمنان خارجی ایران، تهران به واسطه یک دهه مقاومت بر سر حقوق هسته‌ای، گسترش نفوذ در اعماق استراتژیک در کشورهای چون لبنان، سوریه و عراق، رشد توان دفاعی و از آن مهم‌تر افزایش نفوذ معنوی در جهان اسلام توانسته است مولفه‌های قدرت‌ساز خود را تقویت کرده و بر منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی خود بیفزاید.

اواخر بهمن ماه سال گذشته بود که «مارتین ایندایک» سفیر پیشین واشنگتن در تل‌آویو و طراح سیاست «بهار دوگانه» (سیاست مهار ایران و عراق از سوی آمریکا در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون) در مقاله‌ای در تارنمای موسسه تحقیقاتی «بروکینگز» از لزوم بازگشت فعالانه واشنگتن به بازی بزرگ خاورمیانه سخن گفته بود.

ایندایک در این زمینه تصریح کرده آمریکا به دلیل بر هم خوردن موازنه قدرت به سود جمهوری اسلامی ایران باید پیوندهای خود با متحدان سنتی در خاورمیانه یعنی عربستان سعودی، مصر و رژیم صهیونیستی را تحکیم کند و از سوی دیگر مذاکرات هسته‌ای را به سرانجامی مطلوب برساند.

با توجه به واقعیت‌های مربوط به قدرت‌یابی ایران، صهیونیست‌ها و سعودی‌ها مسیر همکاری‌های گسترده برای تحدید نفوذ منطقه‌ای تهران را در پیش گرفته‌اند. در روزهای میانی خردادماه رسانه‌ها از دور تازه دیدارهای محرمانه مقام‌های ریاض و تل‌آویو در جهت مقابله با تهدید ایران برای منطقه خبر دادند.

قابل تامل اینکه آل سعود به‌عنوان رهبر خودپندار جهان عرب اختلاف اساسی با رژیم صهیونیستی بر سر سرزمین‌های اشغالی را به طور کلی کنار نهاده و دیپلماسی پنهان خود را برای هم‌افزایی عربی-اسرائیلی علیه قدرتمندترین دولت مسلمان منطقه به کار بسته است.

طی دهه‌های گذشته ایجاد همگرایی عربی در برابر چالش‌های درونی و بیرونی خاورمیانه یکی از شعارهای رهبران کشورهای عربی بوده است، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان نوعی ائتلاف در برابر قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران و عراق پیامد چنین ایده‌ای است.

در این رابطه تشکیل ارتش مشترک عربی هم یکی از دستاوردهایی است که طی سال‌های گذشته از سوی برخی کشورهای عربی همچون مصر و عربستان دنبال شده و البته نافرجام مانده است. تازه‌ترین تلاش‌ها در این زمینه به سودی عربستان سعودی برای شکل دادن به نوعی پیمان

غرب آسیا و جغرافیای نظم بحرانی آن

سیدمحمد موسی کاظمی

نظامی شبیه به سازمان آتلانتیک شمالی (ناٹو) بازمی‌گردد.

در نشست فروردین ماه سران اتحادیه عرب در «شرم‌الشیخ» مصر ایده یادشده دوباره مهر تایید خورد تا ۲ ماه بعد یعنی در خردادماه امسال رؤسای ستادهای مشترک ارتش اعضای این اتحادیه و تروریست‌های حاضر در عراق و سوریه فروگذار نکردند.

این در حالی است که به باور بسیاری از کارشناسان، تحولات اخیر داخلی ترکیه و ناکامی انتخاباتی «حزب طیب‌اردوغان» رئیس‌جمهور و حزب متبوعش ترمز قطار بلندپروازی‌های داخلی رهبری خود در این حمله برای تجارب بعدی پایه‌ریزی کنند، به تشکیل ارتش مشترک امید بسیاری بسته‌اند. این در حالی است که از دید شماری از صاحب‌نظران، اتحاد ژله‌ای میان کشورهای عربی ایده و ساختار ارتش مشترک احتمالی را از خود منائر خواهد ساخت.

همچنان که گفته شد در فرآیند تشکیل ارتش مشترک عربی، حاکمان تازه به‌مسند نشسته ریاض به دنبال دستیابی به‌موقعیت برتری بر جهان عرب و منطقه هستند و این در حالی است که کشورهای نظیر مصر و قطر حاضر به قرار دادن زمام چنین حمایت‌آرمی‌ها و برخی کشورهای منطقه توانسته‌اند به چشم‌گیری از خاک اتحادیه محدود و مشخص می‌نگرند. همراهی با سعودی‌ها از یک منظر دیگر نیز برای برخی کشورهای عربی اهمیت دارد و آن صرفاً جذب حداکثری کمک‌های مالی آل‌سعود است. برخی دولت‌ها همچون بغداد نیز اصولاً قصد همسو شدن با ماجراجویی‌های آل‌سعود را در منطقه ندارند و به این ترتیب ژله‌ای بودن اتحادها و ائتلاف‌های عربی در اینجا نیز نمود خود را آشکار می‌سازد. ضمن آنکه اوج همکاری و همگرایی کشورهای عربی در جنگ‌های چهارگانه با ارتش رژیم صهیونیستی طی سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ بروز یافت که هر بار با ناکامی همراه شد.

یکی دیگر از بازیگران فعال در تحولات منطقه‌ای طی سال‌های گذشته ترکیه بوده است که در خیال برپایی امپراتوری خاورمیانه‌ای یا به اصطلاح «توعثمانی‌گرایی» مداخلاتی گسترده را در منطقه صورت داده است. ترکیه در صحنه درگیری‌های سوریه تا یمن و نیز پیش از آن تحولات بیداری اسلامی کوشید پازل اهداف بلندپروازانه خود را در کنار هم بچیند.

سران آنکارا که مدعی رهبری دموکراتیک‌ترین کشور خاورمیانه هستند طی سال‌های گذشته با کنار نهادن نمایش‌هایی چون اسرائیل‌ستیزی،



احضار سفیر آمریکا در پاریس به دنبال رسوایی شنود از رؤسای جمهور فرانسه

فلاکت فرانسوی

صفحه ۱۵

حمایت از مردم مسلمان فلسطین و نیز راهبردهایی موسوم به «تنش صفر با همسایگان»، ترکیه را به بازیگری تنش‌آفرین در سطح منطقه تبدیل کردند. رهبران حزب عدالت و توسعه که پس از سال‌ها تقلاد درهای اتحادیه اروپا را به روی خود بسته دیند، با شعله‌ور شدن اختلافات داخلی در سوریه بر آن دامن زدند تا دیگ توعثمانی‌گرایی خود را با شعله‌های این آتش به جوش آورند. رهبران آنکارا در این مسیر اخیر از حمایت از گروه‌های افراطی و تروریست‌های حاضر در عراق و سوریه فروگذار نکردند.

این در حالی است که به باور بسیاری از کارشناسان، تحولات اخیر داخلی ترکیه و ناکامی انتخاباتی «حزب طیب‌اردوغان» رئیس‌جمهور و حزب متبوعش ترمز قطار بلندپروازی‌های داخلی رهبری خود در این حمله برای تجارب بعدی پایه‌ریزی کنند، به تشکیل ارتش مشترک امید بسیاری بسته‌اند. این در حالی است که از دید شماری از صاحب‌نظران، اتحاد ژله‌ای میان کشورهای عربی ایده و ساختار ارتش مشترک احتمالی را از خود منائر خواهد ساخت.

همچنان که گفته شد در فرآیند تشکیل ارتش مشترک عربی، حاکمان تازه به‌مسند نشسته ریاض به دنبال دستیابی به‌موقعیت برتری بر جهان عرب و منطقه هستند و این در حالی است که کشورهای نظیر مصر و قطر حاضر به قرار دادن زمام چنین حمایت‌آرمی‌ها و برخی کشورهای منطقه توانسته‌اند به چشم‌گیری از خاک اتحادیه محدود و مشخص می‌نگرند. همراهی با سعودی‌ها از یک منظر دیگر نیز برای برخی کشورهای عربی اهمیت دارد و آن صرفاً جذب حداکثری کمک‌های مالی آل‌سعود است. برخی دولت‌ها همچون بغداد نیز اصولاً قصد همسو شدن با ماجراجویی‌های آل‌سعود را در منطقه ندارند و به این ترتیب ژله‌ای بودن اتحادها و ائتلاف‌های عربی در اینجا نیز نمود خود را آشکار می‌سازد. ضمن آنکه اوج همکاری و همگرایی کشورهای عربی در جنگ‌های چهارگانه با ارتش رژیم صهیونیستی طی سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ بروز یافت که هر بار با ناکامی همراه شد.

یکی دیگر از بازیگران فعال در تحولات منطقه‌ای طی سال‌های گذشته ترکیه بوده است که در خیال برپایی امپراتوری خاورمیانه‌ای یا به اصطلاح «توعثمانی‌گرایی» مداخلاتی گسترده را در منطقه صورت داده است. ترکیه در صحنه درگیری‌های سوریه تا یمن و نیز پیش از آن تحولات بیداری اسلامی کوشید پازل اهداف بلندپروازانه خود را در کنار هم بچیند.

سران آنکارا که مدعی رهبری دموکراتیک‌ترین کشور خاورمیانه هستند طی سال‌های گذشته با کنار نهادن نمایش‌هایی چون اسرائیل‌ستیزی،

یادداشت امروز

ادبیات هاری

امیر استکی

شاید برای شما هم این سوال پیش آمده باشد که برای شناخت رفتار سیاسیون در ایران آیا چارچوب‌های علمی و آکادمیک وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش شاید کمی دشوار باشد. علوم سیاسی در ایران آنچنان رشدی نکرده است که بتوان از آن انتظار تولید ادبیات آکادمیک را داشت که به کار تجزیه و تحلیل سیاست در ایران بخورد ولی ایسن نافی وجود روندهای تکرار شونده در این زمینه نیست. یعنی بالاخره این امکان وجود دارد که رفتار سیاسیون ایرانی را در چارچوبی درآورد و به زخم تحلیل رفتار آینده آنها زد ولی این روندها را بیشتر باید براساس تجربه شخصی کسب کرد و هستند افرادی که به تجربه و بر اثر مشاهده این بینش را یافته‌اند که چند قدم آن طرف‌تر را در عرصه سیاست کشور ببینند ولی هنوز این تجربیات به شکلی قابل استفاده برای دیگران در دسترس نیست. البته باید گفت بسیاری از این روندها بویژه رفتارها آنچنان پیچیده نیست و با کمی دقت بسیاری از رفتارها و اتفاقات را می‌شود ناشی از بعضی ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی دانست. مثلاً کینه‌جویی را در ذایل شخصیتی و اخلاقی جای می‌دهند و ما به راحتی می‌توانیم در میان سیاسیون این رد و بدل شدن کین و نفرت را مشاهده کنیم. نوعی عطش انتقام و پاره‌پاره کردن رقیبی که از میدان به در افتاده است، نوعی هاری سیاسی؛ هاری سیاسی که به مدد جمع کثیر مریدان، اعوان و انصار و نشستگان بر سر خوان کرم دیروز و امروز، به نام پاسداری از آزادی و آزادگی به خورد خلائق داده می‌شود.

از زبان سیاستمداران بسیار شنیده‌ایم که آنها اصول اخلاقی را در عمل سیاسی خود لحاظ می‌کنند ولی طبعاً بسیار کم باور کرده‌ایم حتی اگر سیاستمدار مورد نظر ما لقب آیت‌الله را هم با خود یدک بکشد، بالاخره همانگونه که پیش‌تر گفته شد هر کسی در این زمینه مشاهدات و تجربیاتی دارد و خواهناخواه در ذهنش روندهایی ساخته است و بر مبنای آن روندها به فهم بهتر خود کمک می‌کند. اصل اولی که مبنای اخلاق است پذیرش وجود موازین ثابت در همه شرایط و در ادیان آسمانی علاوه بر همه شرایط در همه زمان‌هاست. یعنی استانداردها در اخلاق با شرایط و زمان تغییر نمی‌کند و این چیزی است که در سیاست مبنای رفتار سیاسیون امروز کشور، با شرایط تغییر می‌کند.

روژ گاری شرایط اقتضا می‌کرد که گفته شود در انتخابات تقلب شده و مردم باید به خیابان‌ها کشانده می‌شدند و روزگاری شرایط اقتضا می‌کرد که انتخابات در ایران دموکرات‌ترین انتخابات در جهان دیده شود. روزگاری مردم باید فشار اقتصادی و تورم ۴۹ درصدی را تحمل می‌کردند و زیر چرخ تورم سه‌ل می‌شدند و امروز باید به هر قیمتی فشار از روی استخوان‌های در حال پوسیدنشان برداشته شود! روزگاری سراسر بر شدن یونانس‌های خارجی به کشور نهایت خردورزی سیاسی بود و کمی بعدتر هزینه‌کردهای دولتی غیرخودی! در زمینه‌های عمرانی و معیشت مردم افزایش نقدینگی آن هم به شکل مرض هاری بود. روزگاری دریافت رشوه برای بستن قرارداد به ضرر کشور و بدهکار کردن چند ده میلیارد دلاری ملت اتهام از سر بدخواهی و پدرسوخته‌بازی بعضی افراد است ولی اجرای همان قانون در برابر رقیب، دادگستری است و باور کنید تا دلان نخواهد از این دوگانه‌ها موجود است و قابل بیان ولی رعایت کوتاهی نوشتار مجال تفصیل نمی‌دهد. قطعاً استانداردهای دوگانه عینِ بی‌انصافی خواهد بود و این هم یکی از همان روندهاست که آیت‌الله سیاستمدار به ما می‌آموزد انصاف را در سیاست راهی نیست. اما شیخ سیاستمدار دیگر به ما چه می‌آموزد؟ قانون در تعریف خود میزانی است واحد در برابر همه افراد ولی به هر حال استفاده از این میزان واحد درباره منسوبان به پاره‌ای صاحبان قدرت دشوار خواهد بود. شیخ به ما می‌آموزد تا آنجا که می‌شود این میزان واحد را باید ندید ولی آنجا که دیگر نمی‌شود، اجرای با هزار سلام و صلوات قانون در برابر خودمان و فرزندانمان را پدرسوخته‌بازی و برای تسویه حساب شخصی با خودمان جاب‌زنیم، حرفی را که هر کس دیگری می‌زد چنان قانون پدرش را درمی‌آورد که بیا و ببین ولی حیف که هنوز در گوشه‌های نه‌چندان کوچکی از این دیار هستند بعضی‌ها که به خاطر نشان می‌شود موازین را دوگانه کرد.

ادامه در صفحه ۱۱